



توجه به سنت‌های الهی حاکم بر جوامع موجب نزول برکات می‌شود

سنت‌های الهی در جوامع حاکم هستند و کسی که به این سنت‌ها توجه داشته باشد، برکات آسمان و زمین بر او نازل و به قرب الهی می‌رسد و اگر این سنت‌ها را نادیده بگیرد، همه اسباب به کمک او می‌آیند تا از خداوند دور شود.

سنت‌های الهی در جوامع حاکم هستند و کسی که به این سنت‌ها توجه داشته باشد، برکات آسمان و زمین بر او نازل و به قرب الهی می‌رسد و اگر این سنت‌ها را نادیده بگیرد، همه اسباب به کمک او می‌آیند تا از خداوند دور شود.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسین میرمعزی، عضو شورای عالی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در هفتمین نشست از سلسله جلسات نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی با عنوان «سنت‌های الهی حاکم بر جوامع انسانی» که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنانی در این خصوص پرداخت.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با تأکید بر این که ظلم و جنایات موجب از بین رفتن برکت می‌شود، اظهار کرد: امیرالمؤمنین (ع) در کلام حکیمانه‌ای می‌فرماید: «وَإِذَا ظَهَرَتِ الْجِنَايَاتُ ارْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ؛ هرگاه گناهان آشکار شوند، برکت‌ها از میان می‌رود». بر این اساس، برکت از جامعه‌ای که ظلم در آن جاری است، رخت برمی‌بندد و هر چند که ممکن است ثروت از میان نرود، اما یقیناً برکت از میان می‌رود.

وی افزود: ذهن ما با این مطلب انس پیدا کرده است که ثروت همان برکت است، اما چنین نیست. به همین دلیل ائمه معصومین (ع) نیز از خداوند ثروتی را خواسته‌اند که موجب تقرب آنها به خدا شود و این همان معنای برکت است. بنابراین برکت مساوی با ثروت نیست، بلکه برکت به معنای خیر کثیر است و خیر آن چیزی است که انسان را در مسیر تقوا و کمال به پیش می‌برد و به خدا نزدیک می‌کند.

میرمعزی با بیان این که اتراف به معنای ریخت و پاش و خرج‌های آن‌چنانی از دیگر عوامل زوال برکت است، گفت: استفاده از ماشین‌های بسیار گران‌قیمتی که با ارزش پولی آن می‌توان فعالیت‌های اثرگذار اقتصادی و اجتماعی صورت داد، از مصادیق این اتراف است. عده‌ای خانه ندارند و جوان‌هایی به دلیل مشکلات مالی توان ازدواج ندارند و عده‌ای دیگر بر ماشین‌هایی سوار می‌شوند که با پول آن می‌توان چندین مورد از مشکلات مالی دیگران را برطرف کرد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی خاطرنشان کرد: ریخت و پاش‌های بی‌مورد و خرج بی‌مهابا، خوشگذرانی و شهوترانی با ثروت، از مصادیق اتراف است و مترفین افرادی هستند که با ثروت شهوترانی، خوشگذرانی و ریخت و پاش می‌کنند، بدون آنکه به احوالات سایرین و اطرافیان خود توجهی داشته باشند. اگر مترفین در جامعه‌ای حاکم شوند، آن جامعه هلاک می‌شود.

وی ادامه داد: بر حسب آیه شریفه «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم خوشگذرانانش را و می‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [یکسره] زیر و زیر کنیم» (اسراء/۱۶)، وقتی عده‌ای مترف شوند، دیگر نمی‌توانند اوامر الهی را رعایت کنند و به رغم امر به تقوا و عدل از سوی خداوند، آنها به گناه و ظلم رو می‌آورند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان این که طبق سنت الهی، وقتی جامعه‌ای از اوامر الهی دور شد، آن قوم دچار تدمیر می‌شود، خاطرنشان کرد: تدمیر به معنای در هم کوبیدن است که با تأکید آیه قرآنی بر این عبارت، کوبیدن سختی در انتظار این افراد است که اثری از آنها باقی نمی‌گذارد. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمودند که مواظب باشید حکام از طبقات ثروتمند نباشند.

وی ادامه داد: برخی در مقابل این دیدگاه حضرت امام (ره) موضع می‌گرفتند و می‌پرسیدند که چرا ثروتمند صلاحیت حکومت‌داری را ندارد؟ اگر ثروتمندی ایمان داشته باشد، چه ایرادی دارد که حاکم شود؟ و حضرت امام (ره) مکرراً می‌گفتند که این ویژگی را در نظر بگیرید و نظر به همین آیه شریفه قرآنی داشتند. ایشان می‌گفتند که حکام و کسانی که می‌خواهند بر سرنوشت مردم حاکم شوند، باید از طبقات متوسط و پایین‌تر از متوسط باشند.

میرمعزی با اشاره به این که به عقیده امام راحل (ره)، اغنیاء نباید بالادست شوند، اظهار کرد: مقام معظم رهبری هم پس از آن که رهبر

شدند، در همان ابتدا در جلسه‌ای با فرماندهان و لشکریان زنگ خطر را برای انقلاب این چنین به صدا درآوردند که مواظب باشید، عده‌ای که خودشان در انقلاب جهاد کرده‌اند و ممکن است اکنون ثروتمند شده باشند، زمام حکومت را به دست نگیرند، زیرا اگر این افراد حاکم شوند، انقلاب منحرف می‌شود.

وی افزود: معظم له در جلسه‌ای، حاکمیت مترفین را تحلیل کردند و فرمودند که ملتی بود که به واسطه حاکمیت مترفین آن قدر تدمیر و در هم کوبیده شد که در حق امام حسین(ع) به عنوان ولی خدا چنین ظلم عظیمی را جائز شمرد. دلیل این واقعه آن بود که عده‌ای به ثروت رسیدند و شروع به خوش‌گذرانی و اتراف کردند و پس از آن، همین عده افراد مترف حاکم شدند؛ به همین دلیل کار این قوم به آنجا رسید که ولی خدا به شهادت رسید و هیچ‌کس دم بر نیاورد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اشاره به این‌که از دیگر سنت‌های الهی در جوامع این است که ربا نابارور و صدقه بارور است، گفت: در آیه شریفه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ...؛ خدا از (برکت) ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید...» (بقره/۲۷۶)، مستقیماً به این سنت الهی تصریح شده است. بر این اساس، برکت از ربا گرفته شده و در مقابل آن صدقه بارور شده است و مال صدقه دهنده افزایش پیدا می‌کند.

وی با بیان این‌که از دیگر سنن الهی در جوامع این است که کار خیر برای خداوند، گشایش می‌آورد، گفت: بر اساس آیه قرآن، «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شوید» (بقره/۲۴۵).

میرمعزی ادامه داد: منظور از واژه «قرض الحسن» در این آیه شریفه، آن قرض‌الحسنه‌ای نیست که بین انسان‌ها رد و بدل می‌شود، بلکه در اینجا منظور کاری است که برای خدا صورت بگیرد و آن را تشبیه به قرض‌الحسنه کرده است؛ یعنی خداوند گویی کار خیر را چنین تعبیر کرده است که انسان مالی را به خدا قرض دهد و این در صورتی است که همه مال و اموال در ملکیت خداوند است. خداوند در مقابل این قرض‌الحسن که از مال خدا به خود او داده شود، کریمانه چند برابر پاداش می‌دهد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همچنین خاطرنشان کرد: بر اساس این آیه قرآن، خداوند می‌فرماید که اگر شما انسان‌ها کار خیر انجام دهید، در امر شما گشایش ایجاد می‌شود. این کار خیر شامل انفاق، صرقة، قرض، وقف و هر عمل خیر دیگری است که در راه خدا صورت گیرد؛ این خیر ممکن است در قبال فقر، علما یا دولت اسلامی انجام شود.

میرمعزی با بیان این‌که سنت‌های الهی متعدد هستند، خاطرنشان کرد: تا اینجا در خصوص فقر و روزی و ... مطالبی گفته شد، اما در زمینه‌های دیگر هم به طور گسترده گفته شده که آثار هر عملی، امهات آن در قرآن کریم و فروع آن در روایات ائمه معصومین(ع) بیان شده است. بر این اساس، نظامی از سنت‌های الهی وجود دارد.

وی افزود: اگر کسی در هر کاری از خداوند استعانت و معیشت خود را تقدیر کند، به این معنا که به صورت حساب شده و با تدبیر خرج کند، نیکوکاری کند، صدقه بدهد، صله رحم به جا بیاورد، خداوند فقر را از او دور می‌کند. افرادی هستند که به رغم برخورداری مالی، دائماً اظهار فقر می‌کنند و همیشه ناراضی هستند و برخی از فقرا هم هستند که وقتی احوال آنها را می‌پرسی، شاکر خدا هستند و رضایت دارند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با تأکید بر این‌که این دو مورد تفاوت زیادی با یکدیگر دارند، اظهار کرد: آن کسی که اظهار فقر می‌کند، خداوند او را در نعمت فقیر می‌کند و آن کسی که اظهار فقر نکند، خدا نعمت او را افزایش می‌دهد. اگر کسی روزی خود را از خدا نخواهد و آن را چنان از بنده خدا طلب کند که گویی روزی را باید از او گرفت، خداوند در روزی را بر او می‌بندد.

وی همچنین خاطرنشان کرد: از دیگر سنن الهی این است که اگر کسی در امانت خیانت کند، در روزی به روی او بسته می‌شود. اگر کسی معیشت خود را تقدیر نکند و باری به هر جهت هزینه کند، موجب کاهش روزی می‌شود. قطع رحم از دیگر مواردی است که روزی را کم می‌کند. اینها بخشی از سنن الهی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.

میرمعزی ادامه داد: در روایات آثاری برای توکل بر خدا، زهد در دنیا، قناعت، اسراف و ... ذکر شده است که همگی از سنن الهی هستند که در جوامع حاکم و در عالم جاری هستند. کسی که به این سنن توجه داشته باشد، برکات آسمان و زمین بر او نازل و به قرب الهی نزدیک‌تر می‌شود و اگر این سنت‌ها را نادیده بگیرد، همه اسباب به کمک او می‌آیند تا از خداوند دور شود.